

سازمان اجتماعی نفرت



کیومرث اشترینان

یک نماینده مجلس سخنانی خطاب به رئیس‌جمهور گفته و یک چهره رسانه‌ای اصولگرا آن حرف‌ها را «مشمزکننده، توهین‌آمیز و تهمت‌آلود» خوانده است. این نماینده رستی از سنخ طرفدار سرسخت نظام دارد و شماری از خودنظام‌پنداران نیز از او حمایت کرده و سخنانش را در رسانه‌های انحصاری اجتماعی خود منتشر می‌کنند و به اوج لذت سیاسی می‌رسند.

نکته کلیدی این است که وقتی در برابر چنین سخنانی، یک چهره اصولگرا آن را مشمزنکننده می‌یابد، یعنی آن فرد و آن سخنان نفرت او را برانگیخته است. حال حلقه را گسترش دهید و ببینید دیگری که فاصله بیشتری از جمهوری اسلامی دارند تا چه حد متفر می‌شوند؛ نه از فرد نماینده بلکه از ساختاری که او نمایندگی می‌کند. موضوع این نوشتار آن دو نفر نیستند، بلکه موضوع فراتر از این است و آن اینکه چنین حرف‌های «مشمزکننده، توهین‌آمیز و تهمت‌آلود» به یک سازه و سازمان تولید نفرت تبدیل می‌شود که اولاً، در درون ساختار و طرفداران پروپاقرص آن گسترش می‌یابد و به راهمائی عمل آنان تبدیل می‌شود و ثانیاً، واگراییی و اختلاف را درون جامعه گسترش می‌دهد. نباید نقش چنین رفتارهایی را نادیده گرفت. هر چقدر هم عاملان آن بی‌زرت باشند، آسیب‌های مهلک روانی برای جامعه پدید می‌آوردند و همچون زهر ماری خطرناک، بی‌یکره ادب و اعتماد اجتماعی را نشانه می‌گیرند. چنین رفتارهایی از آن‌رو که رُست نمایندگی ساختار و هسته مرکزی نظام به خود می‌گیرند، سازه و سازمان تولید نفرت درون حکومت را پدید می‌آوردند و آن را تبدیل به یک ایدئولوژی مشمزنکننده در داخل و خارج کشور می‌کنند، واگرایی را تقویت می‌کنند و مستقیماً امنیت ملی را هدف قرار می‌دهند. می‌رسید چگونه؟ می‌گویم از طریق گسترش نفرت عمومی از سیستم و آماده‌شدن برای پذیرش نیروی خارجی به‌عنوان منجی و پذیرش هرگونه توطئه دیگر علیه امنیت ایران.

اگر پیش از این نمونه نداشتیم، اینک دیگر پس از وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ که نفرتی دامن‌گیر کشور شد، همه چیز آشکار است. از یک سو به دلیل ساختار رقابتی وفاداری درون‌سیستمی، نفرت درون سازه‌های نظام نهادینه می‌شود و سپس در جبهه مقابل همین نفرت به تدریج سامان رسانه‌ای-سیاسی به خود می‌گیرد تا بدین‌سان اختلافات سیاسی بر دوش شر بار شود. وفاداری با رغبت جاه و هوس مقام در هم می‌آمیزد تا که سابق سوئی سوتی پنهان شود و خودی نمایانده شود و پُستی به کف درآید و همه اینها به بهای ناامنی فضای اجتماعی-سیاسی کشور. مرز میان نفرت و وفاداری به نظام زایل می‌شود، گویی برای وفاداری باید حتماً نفرت بپراکنید و از هر آن که در اطراف شماست، به محض یافتن کوچک‌ترین تفاوتی منتفر شوید. تفاوت‌ها را به بدترین شکل و تا بیخ آن تعبیر و تفسیر و تاویل کنید تا از همگان و همگان هیولا بسازید، غافل از اینکه هیولا درون خویشتن است. نفرت اجتماعی و سیاسی زمینه تفرقه و پذیرش تهدیدات نظامی را جری را فراهم می‌کند، به‌ویژه آن‌ها که زمینه‌های اقتصادی آن فراهم است و مردم درگیر نیازهای اساسی روزمره خود هستند. در چنین شرایطی این نقدهای سازنده اقتصادی است که می‌تواند سخن دل مردمان باشد، نه نفرت‌پرانی مشمزنکننده سیاسی. مردم به این باور می‌رسند که «دعوا سر لحاف ملا است و ایپان به فکر مشکلات ما نیستند، بلکه در بی دعواهای جناحی خویش هستند». در تاریخ ایران نمونه‌هایی فراوان یافت می‌شود که برخی را به جان محترمتن می‌انداخته‌اند تا هتک حرمت و خرق مروت کنند. ملک‌الشعراى بهار در شعری چنین سروده است:

ایلهشا، زان خط که هر روزش به دفتر می‌کنی
بر سر تقوا و ایمان خط دیگر می‌زنی
بر دل کشور نشیند چون خدنگ زهراد
آه‌هایی کز ته دل بهر کشور می‌کنی
هیچ می‌دانی چرا بینگنگان بر روی تو
خوب می‌خندند؟ زیرا بار بهتر می‌کنی
گر هنرمندی به اصلاحات بردارد قدم
پاچه‌اش چسبیده، خونش را به ساغر می‌کنی

بر سخندانی سخن گوید به اصلاح وطن
و در دوصد دشنام از آن بدبخت کبفر می‌کنی
این رسم هنوز هم ادامه یافته است و برخی صاحب‌منصبان خواسته یا ناخواسته در برابر توهین و هتک حرمت رقیبان لب فرو می‌بندند. این سکوت توأم با رضا را مردمان می‌فهمند. مسئولان مربوطه باید موضع صریح بگیرند و از رفتار دوگانه و گفتمان دوپهلوی اجتناب کنند.

یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۵
۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۳۱ می ۲۰۲۴
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۹۷
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

جنگ قدرت میان واشینگتن و پکن، نهادهای بین‌المللی را زمین‌گیر کرده است

خزانه خالی سازمان ملل

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



تأثیر یک دهه تحریم بر بازار کار ایران که موجب فشار بیشتر بر کارگران فقیرتر شده است

زخم تحریم بر تن کارگران

یادداشت

ایران و آزمون دولت تمدنی در پسا‌جنگ

ایران در جنگ رمضان پیروز شد؛ اما معنای این پیروزی را نباید فقط در خاموش‌شدن آتش یا پایان درگیری جست. پیروزی را باید دقیق‌تر تعریف کرد: ناکامی دشمن در تحقق اهداف راهبردی، حفظ انسجام ملی، تداوم ظرفیت بازدارندگی، شکل‌گیری همسنگی اجتماعی در برابر تهدید و تبدیل مقاومت به روایت آینده‌ساز. مهم‌تر از همه، در روزهای جنگ نوعی «وجدان جمعی پیروزی» شکل گرفت؛ یعنی جامعه، فراتر از اختلافات روزمره، خود را در تجربه‌ای مشترک از ایستادگی، حفظ سرزمین و دفاع از آینده بازشناخت. این پیروزی را نمی‌توان فقط با زبان دولت-ملت توضیح داد. بر پایه تعریف کریستوفر کوکر از دولت تمدنی، یعنی دولتی که خود را صرفاً نماینده یک ملت دارای مرز و قانون اساسی نمی‌داند، بلکه حامل تاریخ بلند، حافظه جمعی، سنت فرهنگی و مأموریت تمدنی می‌فهمد، ایران را می‌توان یکی از روشن‌ترین مصادیق بالقوه دولت تمدنی دانست. در این الگو، مشروعیت دولت فقط از اداره اکنون نمی‌آید؛ از توانایی آن در پیوندادن گذشته تمدنی با نظم سیاسی، منزلت جهانی و آینده‌سازی ملی نیز به دست می‌آید. اما پیروزی نظامی، اگر به دستاوردهای سیاسی و سپس به روایت تمدنی تبدیل نشود، در حافظه عمومی فرسوده می‌شود. جنگ، ملت را حول امنیت و بقا گرد می‌آورد؛ پسا‌جنگ اما پرسش‌های دیگری را پیش می‌کشد: مردم فقط امنیت نمی‌خواهند، ترمیم، کرامت، رفاه، شفافیت، شنبه‌شدن و آینده می‌خواهند. دولتی که در میدان جنگ توانسته جامعه را حول دفاع بسیج کند، در



روزبه کردونی

سیاست‌پژوه

پسا‌جنگ باید بتواند همان جامعه را حول بازسازی اعتماد سازمان دهد. جنگ را می‌توان با ایستادگی برد، پسا‌جنگ را فقط با حکمرانی خوب می‌توان برد. ایران برخلاف بسیاری از دولت‌های مدرن که عمرشان با مرزهای قرن بیستم سنجیده می‌شود، حامل تداومی بلند است؛ زبان فارسی، نوروز، تشیع، شاهنامه، خلیج فارس، شهرهای کهن، خاطره امپراتوری، تجربه مقاومت و لایه‌هایی از میراث باستانی، اسلامی، ایرانی و محلی. حمله به ایران، در چنین چارچوبی، فقط حمله به یک قلمرو سیاسی نبود؛ حمله به امکان ادامه زیست یک تمدن در جهان جدید بود.

با این حال، دولت تمدنی اگر فقط به گذشته افتخار کند، به خطابه تبدیل می‌شود. اگر فقط از تهدید سخن گویند، جامعه را در وضعیت اضطراب دائمی نگه می‌دارد. اگر فقط دشمن را روایت کند، آینده را دست می‌دهد. دولت

یادداشت

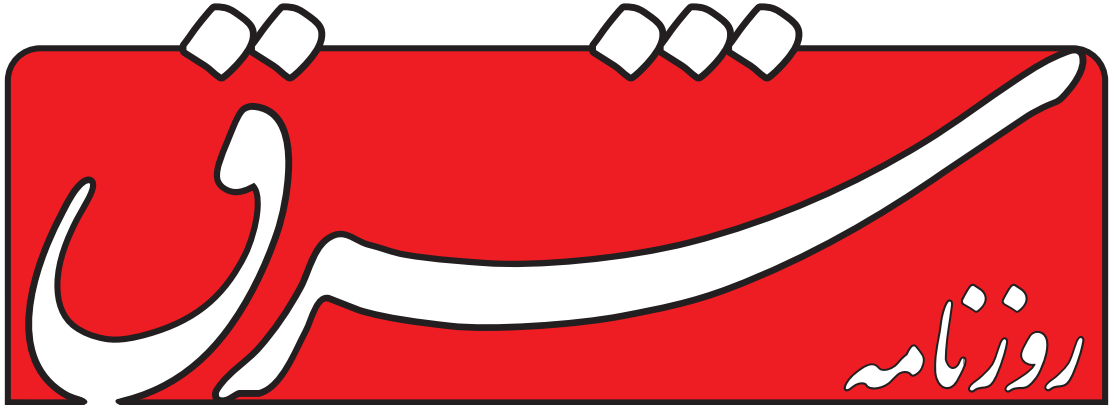
فرصتی برای بازنگری در شیوه‌های حکمرانی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

صف حامیان تشکیل شد و نه حمایت‌های شکل‌گرفته از ایران منجر به تغییر جدی روند جنگ شد. به بیان دیگر، هر دو طرف به‌نوعی طعم تنهایی استراتژیک را تجربه کردند و متحدان بالفعل و بالقوه هر دو طرف تمایل چندانی به حضور جدی در این درگیری فوق‌مدن که می‌توانست مقدمه جنگ جهانی سوم باشد از خود نشان ندادند. در مورد تجربه یک سال اخیر می‌توان عنوانین بسیاری از مباحث در خور تأمل را برشمرد که هرکدام در جای خود ارزش بحث و بررسی دارند، اما در این یادداشت فقط به این نکته می‌پردازم که تجربه یک سال اخیر با انبوه حوادث عظیم آن، باید ما را به مطالعه‌ای گسترده با هدف بازنگری در شیوه‌کشورداری وادار کند. این تجربه را می‌توان به وضعیت یک مدل خودروی جدید تشبیه کرد که ساخته‌ای بسیار سهمگین را پشت سر گذاشته است. اینک مهندسان می‌توانند با بررسی بدنه خودرو، علل مقاومت بخش‌هایی از بدنه یا متلاشی شدن بخش‌های دیگر را شناسایی کنند. بی‌تردید نظام اداری کشورمان و ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن، نکات قوت و ضعف‌هایی دارد که باید به دنبال بروز حوادث، دشوار، در اولین فرصت از طریق مطالعه کارشناسانه کشف شوند. چنین حوادثی را می‌توان فرصتی برای کشف و برطرف‌کردن ضعف‌ها تلقی کرد که اگر از چنین فرصتی استفاده نشود، مانند این است که سازندگان خودروی جدید هزینه آزمون مقاومت بدنه خودرو را پرداخته، ولی از فایده آن که همانا کشف ضعف‌های محصول جدید است، بهره‌مند نشده‌اند. نکته بسیار در خور تأمل دیگر این است که هر قدر عظمت حادثه بیشتر باشد، اهمیت مطالعات مرتبط با کشف ضعف‌ها و قوت‌ها بسیار بیشتر خواهد شد؛ زیرا در چنین موقعیت‌هایی است که ضعف‌ها و قوت‌های یک سیستم به‌عریان‌ترین شکل ممکن خودنمایی خواهند کرد. به‌عنوان نمونه، یکی از بارزترین موارد قوت سیستم که بحق حیرت ناظران جهانی را برانگیخت، شیوه خاص واگذاری و ساختار مدیریت نظامی بود. دشمن با حذف سطح بالای فرماندهی انتظار



برگزاری مراسم گرامیداشت ۴ شهید خانواده رهبر شهید انقلاب

۲



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از بیمارانی که به خاطر هزینه‌های بالا یا درمان را به تعویق می‌اندازند یا قطع می‌کنند

بحران خاموش ترک درمان

۵

چرا ماریو بارکاس یوسا سکوتش را به ما تقدیم کرد؟

آواز قو در خیابان فلورا

۷

آیا محکومیم ادامه زخم‌های خود باشیم؟

نبردی پس از دیگری

۶

ائتلاف سوخته اوپک

۳

نگاهی به اقتضانات فضای سیاسی ایران در گفت‌وگو با علی باقری

وحدت؛ سرمایه‌ای برای بقای فرصتی گذرا؟



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید.عکس: امیر جدیدی/شرق

یادداشت

دل‌کنند آسان



سید فرید موسوی

نماینده مجلس

قطع چندروزه اینترنت و بازگشت دوباره دسترسی به شبکه جهانی، ناخواسته به یک تجربه اجتماعی بزرگ تبدیل شد؛ تجربه‌ای که نشان داد کاربران ایرانی در مواجهه با محدودیت‌های دیجیتال چگونه رفتار می‌کنند و مهم‌تر از آن، «اعتماد» چه جایگاهی در زیست آنلاین جامعه امروز ایران دارد. در روزهایی که دسترسی به بسیاری از پلتفرم‌های جهانی ممکن نبود، میلیون‌ها نفر برای ادامه ارتباطات روزمره، فعالیت‌های کاری و حتی امور اقتصادی خود، ناچار به استفاده از پیام‌رسان‌ها و سکوهای داخلی شدند؛ از بله و ایپا گرفته تا روبیکا. بسیاری حساب کاربری ساختند، گروه‌های خود را منتقل کردند و شکل تازه‌ای از ارتباط را هرچند موقت و ناخواسته پذیرفتند. اما به محض بازگشت اینترنت جهانی، موج بازگشت کاربران نیز آغاز شد؛ سریع، گسترده و بدون تردید. در میان واکنش‌های کاربران، جمله‌ای بیش از همه تکرار می‌شد: «چقدر دل‌کنند از بله، ایپا و روبیکا آسان بود».

شاید در نگاه اول، این‌جمله صرفاً یک شوخی تلخ در فضای مجازی به نظر برسد، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، حامل یک پیام اجتماعی و سیاسی مهم است. مردم، ورای انتخاب یک سکوی ارتباطی، در جست‌وجوی فضایی هستند که بتوانند به آن اعتماد کنند. واقعیت این است که اعتماد با اجبار ساخته نمی‌شود، در جهان امروز نمی‌توان تنها با بستن مسیرهای رقیب، کاربران را به ماندن در یک سکو قانع کرد. هر محدودسازی شاید بتواند مهاجرتی موقت ایجاد کند، اما توان خلق «اعتماد پایدار» را ندارد. تجربه اخیر دقیقاً همین را نشان داد؛ کاربران ممکن است در شرایط اضطراب، به هر بستری کوچ کنند، اما در نخستین فرصت به همان فضایی بازمی‌گردند که احساس امنیت و اطمینان بیشتری در آن دارند.

تمدنی موفق، دولتی است که گذشته را به حکمرانی امروز و افق فردا پیوند می‌زند. تمدن، در این معنا، موزه یا شعار نیست؛ شیوه اداره کشور است.

ایران پسا‌جنگ باید از پیروزی خود سه دستاورد بسازد:

۱- نخست، دستاورد روایی؛ باید روشن شود این جنگ در حافظه ملی چه معنایی دارد. این معنا نباید صرفاً نظامی یا تبلیغاتی باشد، باید زبان مردم را پیدا کند؛ خانواده‌هایی که اضطراب جنگ را زیستند، شهرهایی که با اختلال زندگی روزمره روبه‌رو شدند، جوانانی که آینده را در تعلیق دیدند، کسب‌وکارهایی که آسیب دیدند، مسافرانی که سفرشان متوقف شد و جامعه‌ای که میان ترس و ایستادگی، راه دوم را انتخاب کرد. تمدن ایرانی در مردم زنده است، نه‌فقط در بناها، اسناد و خطابه‌ها. شکل‌گیری اجتماع روایی در خیابان نیز یکی از دستاوردهای بزرگ این دوره است. اجتماع روایی یعنی وضعیتی که افراد پراکنده، از خلال حضور مشترک، شعارها، نشانه‌ها، آیین‌های جمعی و روایت‌های روزمره، خود را بخشی از یک «ما»ی تاریخی و سیاسی احساس می‌کنند. خیابان در این معنا فقط محل تجمع نیست؛ صحنه تبدیل تجربه فردی جنگ به حافظه جمعی و تبدیل اضطراب پراکنده به روایت مشترک ایستادگی است. خیابان در دوران جنگ فقط محل حضور مردم نبود، بلکه به یکی از ارکان قدرت ملی برای حفظ سرزمین تبدیل شد؛ زیرا حضور جمعی در فضای عمومی، پیام‌آباداری، انسجام و شکست‌ناپذیری اجتماعی را به داخل و بیرون مخابره کرد.

۲- دوم، دستاورد فرهنگی؛ باید روشن شود این جنگ در حافظه ملی چه معنایی دارد. این معنا نباید صرفاً نظامی یا تبلیغاتی باشد، باید زبان مردم را پیدا کند؛ خانواده‌هایی که اضطراب جنگ را زیستند، شهرهایی که با اختلال زندگی روزمره روبه‌رو شدند، جوانانی که آینده را در تعلیق دیدند، کسب‌وکارهایی که آسیب دیدند، مسافرانی که سفرشان متوقف شد و جامعه‌ای که میان ترس و ایستادگی، راه دوم را انتخاب کرد. تمدن ایرانی در مردم زنده است، نه‌فقط در بناها، اسناد و خطابه‌ها. شکل‌گیری اجتماع روایی در خیابان نیز یکی از دستاوردهای بزرگ این دوره است. اجتماع روایی یعنی وضعیتی که افراد پراکنده، از خلال حضور مشترک، شعارها، نشانه‌ها، آیین‌های جمعی و روایت‌های روزمره، خود را بخشی از یک «ما»ی تاریخی و سیاسی احساس می‌کنند. خیابان در این معنا فقط محل تجمع نیست؛ صحنه تبدیل تجربه فردی جنگ به حافظه جمعی و تبدیل اضطراب پراکنده به روایت مشترک ایستادگی است. خیابان در دوران جنگ فقط محل حضور مردم نبود، بلکه به یکی از ارکان قدرت ملی برای حفظ سرزمین تبدیل شد؛ زیرا حضور جمعی در فضای عمومی، پیام‌آباداری، انسجام و شکست‌ناپذیری اجتماعی را به داخل و بیرون مخابره کرد.

۳- سوم، دستاورد اقتصادی؛ باید روشن شود این جنگ در حافظه ملی چه معنایی دارد. این معنا نباید صرفاً نظامی یا تبلیغاتی باشد، باید زبان مردم را پیدا کند؛ خانواده‌هایی که اضطراب جنگ را زیستند، شهرهایی که با اختلال زندگی روزمره روبه‌رو شدند، جوانانی که آینده را در تعلیق دیدند، کسب‌وکارهایی که آسیب دیدند، مسافرانی که سفرشان متوقف شد و جامعه‌ای که میان ترس و ایستادگی، راه دوم را انتخاب کرد. تمدن ایرانی در مردم زنده است، نه‌فقط در بناها، اسناد و خطابه‌ها. شکل‌گیری اجتماع روایی در خیابان نیز یکی از دستاوردهای بزرگ این دوره است. اجتماع روایی یعنی وضعیتی که افراد پراکنده، از خلال حضور مشترک، شعارها، نشانه‌ها، آیین‌های جمعی و روایت‌های روزمره، خود را بخشی از یک «ما»ی تاریخی و سیاسی احساس می‌کنند. خیابان در این معنا فقط محل تجمع نیست؛ صحنه تبدیل تجربه فردی جنگ به حافظه جمعی و تبدیل اضطراب پراکنده به روایت مشترک ایستادگی است. خیابان در دوران جنگ فقط محل حضور مردم نبود، بلکه به یکی از ارکان قدرت ملی برای حفظ سرزمین تبدیل شد؛ زیرا حضور جمعی در فضای عمومی، پیام‌آباداری، انسجام و شکست‌ناپذیری اجتماعی را به داخل و بیرون مخابره کرد.

۴- چهارم، دستاورد سیاسی؛ باید روشن شود این جنگ در حافظه ملی چه معنایی دارد. این معنا نباید صرفاً نظامی یا تبلیغاتی باشد، باید زبان مردم را پیدا کند؛ خانواده‌هایی که اضطراب جنگ را زیستند، شهرهایی که با اختلال زندگی روزمره روبه‌رو شدند، جوانانی که آینده را در تعلیق دیدند، کسب‌وکارهایی که آسیب دیدند، مسافرانی که سفرشان متوقف شد و جامعه‌ای که میان ترس و ایستادگی، راه دوم را انتخاب کرد. تمدن ایرانی در مردم زنده است، نه‌فقط در بناها، اسناد و خطابه‌ها. شکل‌گیری اجتماع روایی در خیابان نیز یکی از دستاوردهای بزرگ این دوره است. اجتماع روایی یعنی وضعیتی که افراد پراکنده، از خلال حضور مشترک، شعارها، نشانه‌ها، آیین‌های جمعی و روایت‌های روزمره، خود را بخشی از یک «ما»ی تاریخی و سیاسی احساس می‌کنند. خیابان در این معنا فقط محل تجمع نیست؛ صحنه تبدیل تجربه فردی جنگ به حافظه جمعی و تبدیل اضطراب پراکنده به روایت مشترک ایستادگی است. خیابان در دوران جنگ فقط محل حضور مردم نبود، بلکه به یکی از ارکان قدرت ملی برای حفظ سرزمین تبدیل شد؛ زیرا حضور جمعی در فضای عمومی، پیام‌آباداری، انسجام و شکست‌ناپذیری اجتماعی را به داخل و بیرون مخابره کرد.

نوعی فروپاشی یا حداقل بلاتکلیفی‌کننده را در تشکیلات دفاعی کشور داشت، اما همان زمان معلوم شد برای برخی مسئولیت‌ها حتی تا هفت سطح جانشین تعیین شده تا کوچک‌ترین بلاتکلیفی در سیستم بروز نکند. این وضعیت را می‌توان با تدبیر رسول مرم(ص) در جنگ موته مقایسه کرد که ایشان به دلیل بُعد مسافت، برای سپاه اعزامی سه فرمانده تعیین کرد که با شهادت نفر اول و حتی دوم، سپاه گرفتار بلاتکلیفی نشود. نکته شایان تأمل دیگر این بود که در سطح فرماندهی، نیروهای ماکوچک‌ترین نشان ندادند، هرچند همگی می‌دانستند که با قبول مسئولیت به‌عنوان هدف متحرک یک ماشین فوق‌مدن ترور تعیین خواهند شد. بالطبع علل دستیابی به چنین سطحی از روحیه تاب‌آوری باید کشف و شناسایی بشود. عملکرد اقتصاد ملی در چند دهه گذشته چندان ارزشمند نبوده است. دشواری‌هایی از نوع تورم دورقمی مزمن، کسری بودجه، افزایش نجومی حجم نقدینگی، نرخ بالای بیکاری پیدا و پنهان، سقوط بهره‌وری و… همگی دستاوردهای این عملکرد ضعیف هستند. در نگاهی سیاست‌زده و غیرکارشناسی می‌توان ریشه این عملکرد ضعیف را به «سوءمدیریت» فروکاست. همان‌گونه که سال‌ها پیش دانشجوی جوانی گفت جنگ را با ۲۰ سال‌هه بردیم و اقتصاد را با ۶۰ساله‌ها باختیم و البته طرفداران یک جریان سیاسی خاص برای این جوان خام و پرشور هورا کشیدند، اخیراً نیز یک کارشناس اقتصاد علت ناکامی در حوزه اقتصاد را برخلاف حوزه دفاع، به حاکمیت «بچه‌های شیکاگو» فروکاسته است. با این حال، پرسشی که نه آن دانشجوی پرشور و حامیانش و نه این کارشناس برطمطراق اقتصاد پاسخخی برای آن ندارند، این است که چرا در دوره‌هایی که آن به‌اصطلاح ۶۰ساله‌های غرزه‌بد با تحقیر تمام خانه‌نشین شدند، اقتصاد ملی اوج گرفت و چرا دولت سیزدهم برخلاف وعده انتخاباتی ایجاد سریع رونق، از ارائه عملکرد موفق بازماند؟ توجه به چنین نکاتی اهمیت مطالعات کارشناسانه برای کشف موارد قوت و ضعف و تلاش برای مصون‌ماندن این مطالعات از هجوم بی‌رحمانه حب و بغض‌های سیاسی را به‌خوبی نشان می‌دهد. با این حال در سال‌های اخیر برخی سخنوران به‌سرعت در مقابل به‌کارگیری واژه بازنگری موضع گرفته و آن را به معنی تردید در برخی اصول تلقی می‌کنند. در حالی که براساس تعالیم دینی‌مان که یک ساعت تفکر را بالاتر از ۷۰ سال عبادت می‌داند، همه به بازنینی کارنامه گذشته‌مان و تلاش برای یافتن روش‌های بهتر از گذشته ملزم شده‌ایم. به بیان دیگر، روشی که در گذشته به کار بسته‌ایم، حتی اگر کارآمد بوده و نتایج درخشانی به بار آورده باشد، از کجا معلوم که به درد آینده هم بخورد و باز هم بتواند مفید باشد؟ بازنگری در شیوه‌های حکمرانی شامل حوزه‌های اقتصاد، سیاست داخلی، سیاست خارجی، امور اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در یادداشت‌های آینده به چند مورد از سرفصل‌های اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳- ادامه در صفحه ۴